

1389/10/14

نُه دی، آزمون نهایی نظریه امام(ره)

سه دهه، سه فتنه

نُه دی، آزمون نهایی نظریه امام(ره)

دهه‌ی شصت

یکی از اتهامات گروهک‌های چپ‌گرا به نهضت امام خمینی(ره)، سازش با آمریکا بود. علت این ادعا هم آن بود که شرط لازم پیروزی انقلاب‌ها را قیام مسلحانه می‌پنداشتند و پیروزی مردمی انقلاب بدون اتکا به گروه‌های مسلح را غیر ممکن می‌دانستند. اما پیروزی انقلاب تنها به اتکای قدرت مردم بدون وابستگی به ابرقدرت‌ها و حتی بدون وابستگی به گروهک‌های مسلح، درستی نظریه امام را - پیروزی با مشارکت عمومی مردم- اثبات نمود.

اما در حالی که کمتر از دو سال از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود، گروهک‌ها بر شیطنت‌های خود افزودند و با آغاز غائله‌های خیابانی سعی بر آسیب رساندن به انقلاب نوپای اسلامی را داشتند. از مهم‌ترین این سلسله حوادث، غائله 14 اسفندماه 1359 در دانشگاه تهران است. رأس این فتنه - که با هماهنگی سازمان منافقین و نیروهای وابسته به بنی‌صدر، موسوم به دفتر هماهنگی مردمی رئیس‌جمهوری شکل گرفت- شخص بنی‌صدر بود که به عنوان سخنران مراسم و از پشت تریبون اغتشاش را هماهنگ می‌کرد.

رفتار منافقین موجب جلب حمایت گسترده سلطنت‌طلبان فراری از کشور شد. علی‌امینی نخست‌وزیر فراری شاه و برخی دیگر از چهره‌های شاخص، به حمایت از آن‌ها برخاستند و این حمایت‌ها با سکوت سران اغتشاش‌طلب همراه گردید. اوج این فتنه‌جویی‌ها در اعلام جنگ مسلحانه بر علیه نظام در خردادماه 1360 صورت می‌گیرد

در این مراسم شعارهای بسیار تندی علیه نهادهای انقلابی و اشخاص مورد وثوق امام خصوصاً شهید مظلوم دکتر بهشتی سر داده شد و بنی‌صدر نه تنها نسبت به این توهین‌ها حساسیتی نشان نداد، بلکه شخصاً اقدام به توهین کرد و علناً دستور حمله و مضروب کردن مردم را از پشت بلندگو صادر کرد. بنی‌صدر از این نقطه زمانی در تقابل مستقیم با نظام اسلامی قرار گرفت و به همراه دیگر گروه‌های ضدانقلاب، مدام بر لزوم مقاومت، ایستادگی و تسلیم نشدن، تشویق صریح و جدی برای اعتراضات خیابانی، استقامت نمودن و... می‌نمود.

اگرچه بنی‌صدر انسانی خودشیفته و تمامیت‌خواه بود، اما اینک که پس از سه دهه به آن روزها می‌نگریم، به خوبی آشکار است که بسیاری از اقدامات او تحت تاثیر القانات نزدیکانش بوده است. در حالی که فرماندهان سپاه برای دیدار با رئیس‌جمهور وقت که فرمانده کل قوا نیز بوده است؛ مدت‌ها در انتظار می‌مانند، مسعود رجوی، اشرف دهقانی، موسی خیابانی و سران فدائیان خلق به راحتی و بارها در منزل به ملاقات بنی‌صدر رفته و ساعت‌ها با او به گفت‌وگو می‌پرداختند. حتی او روابط نزدیکی با رهبران غائله کردستان برقرار کرده بود. جالب آن‌که رد پای جاسوس‌هایی همچون محمدرضا سعادت، عضو ارشد سازمان منافقین در حال انتقال اطلاعات به سرویس اطلاعاتی شوروی و عباس امیرانتظام، دوست قدیمی بنی‌صدر در حال جاسوسی برای آمریکا با اسناد غیر قابل انکار شناسایی، دستگیر و محاکمه شده بودند.



در این میان امام(ره) با صبر و تدبیر سعی در فرو نشاندن فتنه و جلوگیری از ریزش نیروهای داشتند که فریب نفاق این گروهک‌ها را خورده‌اند. به دستور امام(ره) هیئت سه نفره‌ای تشکیل می‌شود و جمع‌بندی‌های متقنی انجام می‌گیرد. اما درست پس از هر تدبیر امام که منجر به آرام شدن نسبی فضای جامعه می‌گشت، منافقین مانع از ثبات آرامش می‌گشتند. به عنوان نمونه، درست در روزهایی که با تلاش یاران امام(ره) رنگ و بوی آرامش به فضای سیاسی کشور بازگشته بود، بنی‌صدر در یک مصاحبه رادیوتلوویزیونی و مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران خارجی و داخلی که در مطبوعات تاریخ 5/2/60 منعکس شد، بار دیگر به تحریک افکار عمومی پرداخت و امام(ره) را به دیکتاتوری متهم نمود: «ممکن نیست شما بتوانید جامعه را در بی‌خبری نگهدارید و جامعه بی‌خبر بتواند پاسدار موجودیت خویش و انقلاب خود و جامعه رو به رشد باشد ... همه باید بایستیم و استقامت کنیم ... دو نوع سازماندهی سیاسی داریم. نوعی از آن بر توانایی رهبری و سفت و سخت بودن سازمان تکیه دارند که به قول فرنگی‌ها توتالیتر یا خودکامه و قیم ... نوع دوم که من طرفدار آن هستم نظم را با زور سازگار نمی‌بیند، سازمان را هم با زور سازگار نمی‌بیند و بر این عقیده است که رهبری، سازمان و نظم باید در سطح خود مردم، برای نگهداشتن مردم در صحنه بماند ...»

پس از این اظهارات در روز دوشنبه 60/2/7 هواداران سازمان منافقین از ساعت سه بعدازظهر، بدون مجوز از وزارت کشور، در میدان فلسطین اجتماع کرده و حدود ساعت چهار به‌طرف پیچ شمیران حرکت کردند که در خلال آن، درگیری میان آن‌ها با نیروهای مردمی و انتظامی به‌وجود می‌آید.

این رفتار منافقین موجب جلب حمایت گسترده سلطنت‌طلبان فراری از کشور شد. علی‌امینی نخست‌وزیر فراری شاه و برخی دیگر از چهره‌های شاخص، به حمایت از آن‌ها برخاستند و این حمایت‌ها با سکوت سران اغتشاش‌طلب همراه گردید. اوج این فتنه‌جویی‌ها در اعلام جنگ مسلحانه بر علیه نظام در خردادماه 1360 صورت می‌گیرد؛ زمانی که امام نصیحت را بی‌اثر یافته و بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا عزل می‌نمایند. در این زمان است که مجلس شورای اسلامی نیز طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر را در دستور قرار می‌دهد. فتنه‌گران پی به نزدیکی سقوط کامل خود می‌برند.

امام(ره) با صبر و تدبیر سعی

در فرو نشاندن فتنه و جلوگیری از ریزش نیروهای داشتند که فریب نفاق این گروهک‌ها را خورده‌اند. به

شبهه سی‌ام خرداد، روز طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در مجلس بود. در این روز سازمان منافقین که می‌پنداشت بهانه و فرصت مناسبی برای اعلام شورش علیه امام(ره) و نظام جمهوری اسلامی به دست آورده است، با صدور اطلاعیه‌ای سیاسی-نظامی رسماً وارد جنگ مسلحانه و قتل و کشتار مردم وفادار و علاقه‌مند به نظام جمهوری اسلامی گردید. آن‌ها به‌سرعت به تدارک و آماده‌سازی یک حرکت مسلحانه وسیع و گسترده پرداختند. وابستگان ضد

دستور امام(ره) هیئت سه نعره‌ای تشکیل می‌شود و جمع‌بندی‌های متقنی انجام می‌گیرد. اما درست پس از هر تدبیر امام که منجر به آرام شدن نسبی فضای جامعه می‌گشت، منافقین مانع از ثبات آرامش می‌گشتند.

انقلاب و منافقین در داخل با پیوستگی کامل در خیابان‌های شهرهای بزرگ و کوچک دست به کشتار، آزار و اذیت مردم و تخریب اموال عمومی زدند. در خارج کشور نیز گروه‌های به اصطلاح اپوزیسیون با تظاهرات خود بنی‌صدر را یاری دادند.

اما حضور خودجوش و گسترده مردم ایران در تظاهرات سی و سی‌ویک خرداد، در تجدید پیمان با رهبری انقلاب و اعلام حمایت از مجلس شورای اسلامی و مخالفت با بنی‌صدر و عملیات اربعابی و شورش‌گرانه، منافقین را با ناکامی مواجه ساخت. مسعود بنی‌صدر، پسرعموی رئیس‌جمهور معزول و عضو وقت سازمان منافقین، در کتاب خاطرات خود با اشاره به این موضوع می‌نویسد: «وجود انبوه افراد وفادار به آیت‌الله خمینی ... بیانگر این نکته است که او در

وضعیت غیر قابل‌تصور قرار داشت و علاوه بر این، می‌توانست با یک سخنرانی، اطلاعیه یا دعوت عمومی افراد بسیاری را به پای تظاهرات و نمازهای جمعه بکشاند که به‌خصوص نمونه‌های بسیاری از آن در همان حوالی خرداد 1360 اتفاق افتاد و به آنها اشاره گردید. حتی بسیاری از خانواده‌های اعضای فعال سازمان نیز ... مخالفت با او را نوعی فروختن دین به دنیا می‌دانستند و حاضر به مبارزه با او نمی‌شدند.»

دهه‌ی هفتاد

در سال 1368 سازمان سیا با همکاری سرویس اطلاعاتی آلمان و واسطه‌گری علی امینی کنفرانس «هامبورگ» را برگزار نمود. سلطنت‌طلبان و جناح‌های چپ و راست اپوزیسیون خارج از کشور، پس از شرکت در این کنفرانس، مشی و گفتمان خود را رسماً تغییر دادند. جمع‌بندی مسائل مطرح‌شده در کنفرانس هامبورگ به این صورت بود که پایگاه مردمی و اجتماعی جمهوری اسلامی غیر قابل‌خدشه است و باید با برنامه‌های فرهنگی، زمینه را برای استحاله مسئولین نظام و سپس مردم فراهم کرد.

«دیوید کیو» مأمور سیا و رابط آن سازمان با برخی از این گروه‌های ضدانقلاب، در جلسه‌ای توجیهی، استراتژی مورد نظر آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی را چنین بیان می‌کند: «مهم‌ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم به آن هستیم.» بهزاد کریمی از فعالان ضد انقلاب مقیم خارج، در اظهاراتی تصریح می‌کند که تفکر فقهاتی باید از بین برود و بسیاری از تئوریسین‌های غربی و شرقی، راه نفوذ را تغییر در فرهنگ عاشورایی مردم در حمایت از رهبر خود اعلام می‌نمایند.

رهبر انقلاب در هفتم آذرماه 1368 نخستین هشدار را نسبت به رویکرد جدید دشمن به عرصه فرهنگی اعلام داشتند: «یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی که با سیاست، صنعت، پول و انواع و اقسام پشتوانه همراه است، الآن مثل یک سیلی راه افتاده که با ما بجنگد. جنگ هم، جنگ نظامی نیست.» ایشان بعدها با تعبیر «شبیخون فرهنگی»، ابعاد و عمق توطئه را تشریح نمودند و با هشدارهای خود کوشیدند تا اذهان مردم و مسئولان را به عملیات پیچیده دشمن متوجه نمایند.

همراهی کسانی که انتظار مقابله با فتنه از آنها می‌رفت و قرار گرفتن آنها در صف اغتشاش‌گران سبب دلگرمی سربازان میدانی این توطئه گردید و چهار روز تهران دست به گریبان اغتشاشات خیابانی گشت.

این هشدارها اما از سوی متولیان فرهنگی چندان مورد توجه قرار نگرفت. فضای گفتمان رسانه‌ای به مرور به سوی رفت که سال‌های پایانی دهه هفتاد، شاهد توهین‌های علنی به مقدسات مردم در رسانه‌ها بودیم. دشمن در چنین فضایی گمان برد که ریزش انقلاب به نقطه طلایی رسیده است و توان انجام یک حرکت مؤثر فراهم گردیده است. در هجده تیرماه 1378 توطئه‌ای رقم خورد که بسیاری به موفقیت آن امید داشتند. اغتشاشات خیابانی که هجده سال از خاطره مردم دور مانده بود، با تشنج در خیابان‌های اطراف کوی دانشگاه در نیمه شب هجده تیرماه و شکستن شیشه‌های مهدکودکی در مقابل کوی، آتش زدن لاستیک و حمله به خودروها و بستن معابر و هجوم به ناجا و گروگان گرفتن سه سرباز نیروی انتظامی آغاز گردید.



همراهی کسانی که انتظار مقابله با فتنه از آنها می‌رفت و قرار گرفتن آنها در صف اغتشاش‌گران سبب دلگرمی سربازان میدانی این توطئه گردید و چهار روز تهران دست به گریبان اغتشاشات خیابانی گشت. این فتنه و آشوب دشمن را در راه رسیدن به اهداف خود امیدوار کرد.

اما دوشنبه 21 تیرماه 1378 جمعی از مردم که از توهین به مقدسات خود توسط اغتشاش‌گران ناراحت هستند، به دیدار رهبر انقلاب می‌روند. سخنان رهبر انقلاب موجی از بیداری و عزم مقابله با فتنه‌گران را ایجاد می‌کند و از همان زمان مردم منسجم‌تر از قبل در برابر اغتشاش‌گران می‌ایستند. موج‌های مردمی به مرور به هم پیوند می‌خورند و در راهپیمایی سراسری 23 تیرماه 1378، بار دیگر مردم برای فرو نشانیدن فتنه به صحنه می‌آیند و غائله‌ای دیگر را پایان می‌بخشند. حضوری که یادآور منطق بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی ایران در اتکای به مردم بود.

دهه‌ی هشتم

حوادث فتنه 1388، نزدیک‌تر از آن است که نیاز به بازخوانی داشته باشد، اما بی‌شک ریشه این فتنه در تداوم طمع دشمن به امکان شکستن رابطه میان ولی‌فقیه و امت اسلامی بود. آنان که با نفوذ درون حاکمیت نقش برجسته‌ای در فتنه تیرماه 1378 داشتند، این‌بار با مدیریت دقیق‌تر و با محاسباتی جزئی‌نگارانه‌تر به میدان آمده بودند. کافی است نگاهی به روزنامه‌های زمان دو حادثه ببینیم تا حضور چهره‌های ثابت در هر دو غائله را بیشتر دریابیم. این‌بار نیز تدبیر رهبر سبب گردید تا عمق فتنه آشکارتر گردد تا ریشه دشمنی‌ها در توهین به عاشورای حسینی بر همگان آشکار گردد.



دشمن که پس از ارتحال ملکوتی امام خمینی(ره) به برنامه‌ریزی برای شکاف میان امت و رهبری کمر همت بسته بود، این‌بار اما با نیرنگ‌های متفاوتی وارد شد. به جای شعارهای سکولار، شعارهای انقلابی سر دادند، الله اکبر گفتند و ... فتنه 88 فتنه پیچیده‌تری بود؛ فتنه‌ای با شعارهای حق که از آن اراده باطل شده بود. اما با هلهله شادی در عاشورای حسینی مشخص گردید که فتنه‌گران همان‌ها هستند و این‌بار نیز غبار فتنه نشست جز با حضور سیل خروشان مردمی که چراغ بصیرت در دست داشتند.

شاید بتوان «تُه دی» را آزمون نهایی نظریه امام(ره) در خصوص انقلاب اسلامی دانست، انقلابی که با اتکای به مردم پیروز شد و به پیش رفت و مردمی که با پشتیبان ولی‌فقیه از راه امام دست نکشیده‌اند.